



## بدون وجود خصم بازدارندگی معنی ندارد

نخستین نکته در یادداشت آقای امین زاده این است که ایده اصلی این یادداشت، یعنی «بازدارندگی اقتصادی»، با راهکاری که برای دستیابی به این بازدارندگی ارائه می‌کنند، یعنی «تنش‌زدایی» با آمریکا، تناقض دارد. خود ایشان در تعریف بازدارندگی می‌نویسند: «بازدارندگی، داشتن قدرت مؤثر اقدام و عمل متقابل، برای منصرف‌کردن خصم از اقدام خصمانه‌است». البته بماند که این تعریف درباره «بازدارندگی اقتصادی» دقیق نیست و در ادبیات آکادمیک، به استفاده از تهدیدهای اقتصادی خود برای بازداشتن دولت متخاصم از حمله نظامی، «بازدارندگی اقتصادی» گفته می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که کشوری که سیاست بازدارندگی اقتصادی را اتخاذ می‌کند، این پیام را مخابره می‌کند در صورتی‌که کشور متخاصم دست به تهاجم نظامی بزند، از ابزارهای اقتصادی خود برای تحت‌تأثیر قرار دادن فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و… متخاصم بهره خواهد برد و حمله نظامی به زیان متخاصم تمام خواهد شد. علی ایحال، تعریف ناقص و غیردقیق آقای امین زاده، از ابزارهای اقتصادی خود برای علمی بازدارندگی اقتصادی دارد و آن اینکه، بازدارندگی یک راهبرد در شرایط منازعه، دشمنی و تخاصم است. یعنی اگر در محیط بین‌المللی، خصم و اقدام خصمانه وجود نداشته باشد، استراتژی بازدارندگی معنایی ندارد. ایشان وجود خصم را می‌پذیرد، حتی مصداق آن را که امریکاست مشخص می‌کند، فراتر از این رفته و حوزه متخاصمه را که «تحریم اقتصادی» است، می‌پذیرد، اما جالب اینجاست که راه دستیابی به بازدارندگی اقتصادی در برابر امریکا را تنش‌زدایی و حل منازعات با امریکا می‌داند. حل مناقشات و تنش‌زدایی، یعنی پایان دادن به مخاصمات و وقتی منازعه و مخاصمه‌ای در میان نباشد، اساساً بازدارندگی معنی ندارد. لذا برای پیشنه‌هاد تکراری «تنش‌زدایی با امریکا»، هر عنوانی بتوان تراشید و هر لباس جدید بتوان دوخت، نامش نمی‌تواند «بازدارندگی» باشد.

### دور جدید و شدید تحریم‌ها علیه ایران، پس از فتنه ۸۸ اعمال شد

آقای امین‌زاده برای اینکه بتواند تنش‌زدایی با امریکا را ممکن ترسیم کند، دوران انقلاب به‌سوی امریکا با انقلاب اسلامی را انکار می‌کند و می‌نویسد: «تحریم‌های فراملی اقتصادی هدفمند و سازمان‌یافته امریکا علیه ایران، پیوند پیوسته‌ای با انقلاب اسلامی و دوران انقلاب ندارد. این تحریم‌ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در سال ۱۳۷۵ در امریکا به صورت قانون درآمده، اما اجرائی آن نیز پس از انتخابات سال ۱۳۷۶ ایران به مدت ۱۱ سال به تأخیر افتاده‌است. شروع تحریم‌های اختصاصی امریکا نیز مربوط به



چندروز پس از بر تپ موفق ماهواره نظامی «نور» و قرار گرفتن آن در مدار زمین، آقای محسن امین‌زاده، عضو مؤسس جبهه مشارکت و معاون وزارت امور خارجه در دولت آقای خاتمی، طی مطلبی با عنوان «استراتژی بازدارندگی» در روزنامه شرق، به ناکارآمدی ایده «بازدارندگی نظامی» پرداخته، ضرورت در اولویت قرار گرفتن «بازدارندگی اقتصادی» را مطرح کرده و راه رسیدن به این نوع بازدارندگی را، نه خودکفایی اقتصادی و نه اقتدار نظامی که «تنش‌زدایی با امریکا» و رفع تحریم‌ها نشان داده‌است. نوشته آقای امین‌زاده، باب خوبی را برای بحث پیرامون جهان‌بینی ایشان و فکر انشان و نیز راه‌حل‌هایی که طی دهه‌های گذشته مبتنی بر این جهان‌بینی مطرح و اجرایی ساخته‌اند، باز کرده‌است. یادداشت حاضر، به اعتبارسنجی مفروضات و پیشنهادات آقای امین‌زاده – که بخشی از تجلیات جهان‌بینی لیبرالیسم ایرانی است – پرداخته و راقم این سطور برای تداوم این بحث، بسیار شائق است.

# استراتژی بیشینه‌سازی قدرت

دکتر سید یاسر جبرائیلی از اعتبارسنجی مفروضات

و پیشنهادات محسن امین‌زاده درباره تنش‌زدایی با امریکا می‌گوید

چند روز پس از بر تپ موفق ماهواره نظامی «نور» و قرار گرفتن آن در مدار زمین، آقای محسن امین‌زاده، عضو مؤسس جبهه مشارکت و معاون وزارت امور خارجه در دولت آقای خاتمی، طی مطلبی با عنوان «استراتژی بازدارندگی» در روزنامه شرق، به ناکارآمدی ایده «بازدارندگی نظامی» پرداخته، ضرورت در اولویت قرار گرفتن «بازدارندگی اقتصادی» را مطرح کرده و راه رسیدن به این نوع بازدارندگی را، نه خودکفایی اقتصادی و نه اقتدار نظامی که «تنش‌زدایی با امریکا» و رفع تحریم‌ها نشان داده‌است. نوشته آقای امین‌زاده، باب خوبی را برای بحث پیرامون جهان‌بینی ایشان و فکر انشان و نیز راه‌حل‌هایی که طی دهه‌های گذشته مبتنی بر این جهان‌بینی مطرح و اجرایی ساخته‌اند، باز کرده‌است. یادداشت حاضر، به اعتبارسنجی مفروضات و پیشنهادات آقای امین‌زاده – که بخشی از تجلیات جهان‌بینی لیبرالیسم ایرانی است – پرداخته و راقم این سطور برای تداوم این بحث، بسیار شائق است.

به رهبری جنبش سبز حضور داشتند– نشیدم این بود که تحریم باید اعمال شود و این تحریم باید هرچه شدیدتر باشد، تحریم ضعیف و یا تدریجی فقط به رژیم این اسکان را می‌دهد که با وضعیت جدید خودش را تطبیق دهد. آنها گفتند برای اینکه تحریم مؤثر باشد، باید به صورت شوک وارد شود که فلج‌کنند و نه به صورت واکنس». چگونه باور کنیم توصیه آقای امین‌زاده برای تنش‌زدایی با دشمنی که جریان سیاسی ایشان از آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی کمک خواسته و مشخصاً خواهان تشدید تحریم شده‌است، در راستای ایجاد «بازدارندگی» در برابر این دشمن باشد؟

### کشورهای غربی

با حمایت از تولید داخلی

به بام پیشرفت رسیدند

ایده پشتیبان آقای امین‌زاده برای «بازدارندگی اقتصادی»، دوگانه‌ای است اما اگر میان قدرت نظامی و قدرت اقتصادی ایجاد کرده و نظریه مرحوم هاشمی رفسنجانی را درباره تزریق منابع مالی به حوزه اقتصادی به جای حوزه نظامی (لگوی زاین)، تکرار می‌کند، اما اگر مرحوم هاشمی، تصور اشتباهی از لگوی زاین داشت و رتبه هفتم این کشور در جهان از نظر هزینه نظامی را نمی‌دید، آقای امین‌زاده استدلال شگفت‌انگیزتری برای نمایش تضاد میان قدرت نظامی و قدرت اقتصادی ارائه می‌کند.ایشان پاکستان و مصر را مثال می‌زند و می‌گوید این دو کشور جزو ۲۰ قدرت برتر نظامی جهان هستند. اما رتبه اقتصادی قابل توجه و منزلسی در جهان ندارند. این شنبه مغفلت، یک پاسخ ضدمغفلت دارد و آن این است که امریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، ژاپن، چین و هند که جزو ۱۰ قدرت برتر نظامی جهان نیز هستند، اما پاسخ دقیق‌تر، باید پاسخگوی چرایی عقب‌ماندگی اقتصادی امثال مصر، پاکستان و روسیه با وجود قدرتمندی نظامی باشد. پاسخ این چرایی را باید در خطایی جست که این کشورها در روابط اقتصادی خارجی خود مرتکب شدند و همان خطا، امروز به عنوان نسخه شفابخش اقتصاد ایران توسط طیف فکری متبوع آقای امین‌زاده تجویز می‌شود: ادغام در نظم اقتصادی بین‌المللی که توسط امریکا و شرکایش پایه‌گذاری شده‌است. پاکستان از ۳۰ جولای ۱۹۶۴ و مصر از ۹ می ۱۹۷۰ به موافقتنامه عمومی تعرفه تجارت (GATT) پیوستند، دروازه‌های خود را به روی کالاهای خارجی گشودند و متعهد شدند از تولید داخلی حمایت نکنند. وقتی در سال ۱۹۹۵ نیز که سازمان تجارت جهانی تأسیس و جایگزین GATT شد، هر دو در همان سال نخست به عضویت WTO درآمدند.نگارنده در فصل سوم کتاب «دولت و بازار: لگویی پویا برای روابط متقابل» نشان داده‌است که کشورهای غربی چگونه با حمایت از تولید داخلی به بام پیشرفت رسیدند و با تأسیس نهادهایی مانند (GATT) و WTO، اجازه حمایت از تولید داخلی را به کشور چون مصر که تا ۱۹۲۲ تحت‌الحمایه انگلیس بود و تازه از یوغ استعمار و استعماررهایبیافته بود، ندادند، لذا اشتباه نباید کرد. نه امریکا، انگلیس و آلمان برای پیشرفت اقتصادی، هزینه در امور نظامی را حذف



است که حاکم شدن تفکر لیبرال بر آن، باعث تضعیف جایگاه اقتصادی ایران شده‌است، اما درباره وضعیت بازدارندگی بار دیگر ایشان اشتباهی می‌کنند. بازدارندگی امر نسی است و آن را باید در نسبت با قدرت اقدام کشور متخاصم بسنجید. واقعیت این است که در چهار دهه گذشته امریکا هرگز به اندازه امروز ضعیف و ناتوان نبوده‌است. امروز امریکا دقیقاً از همان نقطه‌ای که فلسفه غرب از آن غافل شد، نفع فردی را جایگزین نفع اجتماعی کرد و روابط پولی را جای روابط انسانی نشاند، در حال فروپاشی است. پس از وقوع اپیدمی کرونا، ۲۶ میلیون نفر بیکار شده‌اند، میان ایالات و دولت فدرال نزاع بالا گرفته و ترامپ از طرفدارانش می‌خواهد هفت‌تیر بکشند و مقررات ایالتی سرپیچی کنند، ایالات یا یکدیگر متحد می‌شوند تا مدیریتی مستقل از واشنگتن اعمال کنند، روزی نیست که خیابان‌های امریکا شاهد تظاهرات نباشند، بولومبرگ گزارش می‌کند «تجزیه امریکا که زمانی یک تالو بود، اینک به یک مسئله در صفحه توپیتر ترامپ تبدیل شده‌است» و لس‌آنجلس تایمز می‌نویسد «اینک زمان تجزیه فرا رسیده‌است». ندیدن این امریکای ضعیف و زبون و آن را در جایگاه حاکم مطلق جهان نشاندن، فقط از عهده عاشقانش برمی‌آید. تجویز نسخه تنش‌زدایی با امریکا ۲۰۲۰، بی‌شاهت به تجویز پیوستن به بلوک شرق در ۱۹۹۱ یا پیوستن به ساواک در سال ۱۳۵۷ نیست.

### باج‌دهی سیستماتیک

به غرب

مانع بدعهدی آنان نشد

آقای امین‌زاده سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی را در دوگانه جنگ سرد شرق و غرب ببیند و تحلیل کند و با استناد به پایان جنگ سرد و پیروزی امریکا در آن، استدلال نماید که این سیاست کارگر نیست و حتی برای تعامل با شرق، نیازمند تنش‌زدایی با امریکاست. این نگاه جنگ سردی و کدخداپنداری امریکا، اتفاقاً بر ذهن جریان لیبرال در ایران حاکم است و تجلی آن ریس از سال ۱۳۹۲ در رفتار با شرکای شرق دیدیم. تصور دولت آقای روحانی این بود که برای جلب رضایت غرب، باید به شرق پشت کرد و چنین نیز شد. دولت به جای اینکه در پسابرجام، روابط خود را با شرکایی که در دوره تهران سر کارش بودند، مستحکم‌تر کند، به دوستان سابق پشت کرد و سراغ شرکت‌های اروپایی و حتی امریکایی (مثل بوئینگ) رفت و دهها میلیارد دلار موافقتنامه با آنها امضا کرد تا بکله به تعبیر رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک و معیشت‌امنتی حول ایران شکسته است؛ و غافل از اینکه این باج‌دهی سیستماتیک به شرکت‌های غربی، مانع بدعهدی‌ها و خیانت‌های آنی انسان نخواهد شد و می‌آید به المثل به یک اشاره ترابم، «تال و همراه اطلاعات ذمیمت تا ۱۱ پارس جنوبی، ایران را ترک خواهد کرد، اما برخلاف تفکر لیبرال که رابطه با غرب را در گرو گسستن از شرق می‌دید و ماماه برای کشور مهم چین سفیر تعیین نکرد، گفتمان انقلاب اسلامی هرگز نگاه جنگ سردی به رابطه با شرق نداشته‌است. میان شرق ایدئولوژیک» که در سال ۱۹۹۱ رهاپاشید و «غرب جغرافیایی» تفاوت از زمین تا آسمان است.

انقلاب اسلامی، شعار نه شرقی- نه غربی را سرداد و همچنان که سلطه ایدئولوژیک غرب را نفی کرده می‌کند، سلطه ایدئولوژیک شرق را نیز هرگز برنفت. همچنانکه برای خشکاندن ریشه‌های فاسد لیبرال سرمایه‌داری تلاش می‌کند، از هدف خشکاندن ریشه‌های فاسد کمونیسم نیز لحظه‌ای کوتاه نیامد، اما برای ترجیح شرق جغرافیایی بر «غرب ایدئولوژیک»، دلایل و توجیهات منطقی دارد که سال‌ها پیش از زبان رهبر انقلاب به جهان، زبیبی بیان شده‌است: «در میان مناطق مختلف جهان، ما باید به آسیا نگاه ویژه‌ای داشته باشیم؛ به این نقطه که تمدن و فرهنگ ریشه‌مداری دارد، بیشترین مردم دنیا را دارد، مشترکات شگفت‌آوری با ما دارد، به این چشم‌نگاه کنیم که می‌خواهیم در این منطقه به پیشروی مؤثر نافذ حومان ادامه بدهیم. برنامهریزی سیاست خارجی ما باید بر این اساس باشد. باید با داید کلی و بلندمدت روی کل منطقه آسیا نگاه کنیم. اگر این‌چسور نگاه کردیم آسیا یک اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، یعنی آسیا از اهمیت کمتری برای سرمایه‌گذاری فکری ما محسوب می‌شود، اما در دولت آقای روحانی رتبه هجدهم اقتصاد جهان بوده و حضور در جمع ۲۰ قدرت، نه تا سال ۲۰۰۳ که تا سال ۲۰۱۳ بوده‌است، اما در دولت آقای روحانی که در سال گذشته، هیچ‌گاه کم و کیف تنش‌زدایی با امریکا به اندازه این دوره نبوده، رتبه اقتصادی ایران تنزل کرده و امروز به جایگاه بیست و پنجم رسیده‌است. لذا حرف آقای امین‌زاده کلاماً صحیح است که اگر وضع کنونی ادامه پیدا کند، این جایگاه در ادامه نیز سقوط خواهد کرد. بنابراین راه جلوگیری از این سقوط و بازگشت به مسیر صحه، توقف روند کنونی و به عبارت دقیق‌تر، روی کار آمدن یک تفکر انقلابی به جای مکتب وادادگی و سلطان‌حسینی است. باید قوی شد و راه‌قوی شدن، تحول در همان جایی

### ندیدن امریکای ضعیف

پسا کرونا، فقط از عهده

عاشقانش برمی‌آید

آقای امین‌زاده مدعی هستند سیاست‌های امریکا موفق بوده، ایران از میان ۲۰ کشور قدرتمند جهان در سال ۲۰۰۳، امروز به جمع ۳۰ کشور تنزل یافته‌است، ایران در وضعیت دشواری قرار دارد، هرگز ۴۰ سال گذشته از نظر بازدارندگی دچار چنین وضعی نبوده‌است و اگر وضع کنونی ادامه پیدا کند، اقتصاد ایران در ۱۵ سال آینده به رتبه‌ای پایین‌تر از ۳۶ سقوط می‌کند. بخشی از سخنان ایشان خطاست و بخشی صحیح. خطای ایشان این است که ایران در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) یعنی سی‌سال روی کار آمدن دولت آقای روحانی رتبه هجدهم اقتصاد جهان بوده و حضور در جمع ۲۰ قدرت، نه تا سال ۲۰۰۳ که تا سال ۲۰۱۳ بوده‌است، اما در دولت آقای روحانی که در سال گذشته، هیچ‌گاه کم و کیف تنش‌زدایی با امریکا به اندازه این دوره نبوده، رتبه اقتصادی ایران تنزل کرده و امروز به جایگاه بیست و پنجم رسیده‌است. لذا حرف آقای امین‌زاده کلاماً صحیح است که اگر وضع کنونی ادامه پیدا کند، این جایگاه در ادامه نیز سقوط خواهد کرد. بنابراین راه جلوگیری از این سقوط و بازگشت به مسیر صحه، توقف روند کنونی و به عبارت دقیق‌تر، روی کار آمدن یک تفکر انقلابی به جای مکتب وادادگی و سلطان‌حسینی است. باید قوی شد و راه‌قوی شدن، تحول در همان جایی

بکنیم، کار فرهنگی بکنیم، کار سیاسی بکنیم و حضور خودمان را تقویت کنیم. یک چنین نگاهی به آسیا باید کرد و از این نظر برای ما منطقه آسیا منطقه بسیار مهمی است». لذا استراتژی نگاه به شرق جغرافیایی، دقیقاً مبتنی بر منافع ملت ماست که چشم‌های دوخته شده به غرب ایدئولوژیک، توان دیدن این منافع و واقعیات را ندارد.

## حرف آخر

اما سخن آخر این است که آنچه امروز آقای امین‌زاده، روزنامه شرق و اساساً تفکر لیبرال باید انجام دهد، پاسخگویی به مردم درباره خسارات

وارد شده به معیشت آنان طی هفت سال گذشته است، به نعلبکاری و فرار به جلو، ریچارد نفیو، از معمران تحریم ایران در دولت باراک اوباما در کتاب «هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون» که به ارزیابی اثربخشی تحریم‌های امریکا پرداخته‌است، می‌نویسد که ایران توانسته بود از طوفان تحریم‌ها بگریزد و اقتصادش در مسیر صحیحی قرار گرفته بود که دولت آقای روحانی روی کار آمد. اقتصاد ایران و بلکه آب خوردن مردم و حتی امروز مقابله با کرونا، به توافق با امریکا و رفع تحریم‌ها گره خورد. در دوسال نخست دولت آقای روحانی اقتصاد ما معطل امضای برجام ماند، در دو سال بعدی معطل امضای برجام و پس از آن، معطل احیای برجام. امروز آقای امین‌زاده می‌گوید باید سازمان‌های بین‌الملل و دبیر کل سازمان ملل را برای اعمال به فشار بر امریکا برای لغو تحریم‌ها فعال کنیم، کشورهای میانجی را فعال کنیم، جریان‌های داخلی امریکا را برای فشار به دولت ترامپ فعال کنیم، به تحولات ناشی از انتخابات امریکا توجه کنیم و ردیفی از راهکارهایی نظیر اینها، آیا خود گوینده و نویسنده از به زبان و قلم آوردن این سخنان، خجل نشده‌است؟ گویی در میانه موشک‌باران شهرهای ایران توسط صدام، بخوابیم دبیر کل سازمان ملل و کشورهای میانجی با برخی جریان‌های داخلی رژیم‌بعث را برای فشار بر صدام فعال کنیم یا چشم به انتخابات حزب بعث بدوزیم؟ مسئله همین اندازه مضحک است.

ما حتماً باید از نظر اقتصادی قدرتمند شویم تا تهدید و تهاجم اقتصادی دشمن را بی‌اثر کنیم، اما راهش پناه بردن به آغوش مهاجم از ترس هجوم نیست. راه بیشینه‌سازی قدرت اقتصادی، همان راهی است که برای بیشینه‌سازی قدرت نظامی پیموده‌ایم: اتکا به خود و همچنان که در عرصه نظامی، اتکا به خود و خودکفایی، هرگز به معنی کشیدن حصار به دور خود و قطع ارتباط با جهان نبوده‌است، در عرصه اقتصادی نیز اتکا به خود به معنی تعطیل کردن مناسبات تجاری نیست. راقم این سطور طی سال‌های گذشته مقصد و مبنسوط درباره فعالیت‌های بیشینه‌سازی قدرت اقتصادی نوشته‌است که بسط مجدد آنها در این مقال نیست، اما تیتسروا باید مرور کرد تا بکله در اذهان بسنجه و منجمد، در پیچه‌ای با جهان کنکاش در واقعیات بگشاید؛ تدوین لگوی کشت و حمایت هوشمند از کشت هدفمند محصولات کشاورزی برای رفع وابستگی به واردات ۸ میلیارد دلاری کلام کشاورزی، استفاده از نظام مالیاتی برای جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های نامولد و ایجاد مشوق برای فعالیت‌های مولد، ایجاد تحول در نظام برنامهریزی و بودجه‌ریزی و مسئله‌محور کردن نظام تخصیص منابع به جای هدف‌گذاری صرف در حوزه اقتصاد کلان، جلوگیری از فرار ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی مالیاتی، استفاده از روش تهاثر برای تجارت خارجی برای جنگ نامحارن با حملات مالی امریکا، استفاده از روش هدف‌گذاری «واردکننده مقصد» برای توسعه صادرات، برنامهریزی برای سرریز فناوری از حوزه نظامی به حوزه تجاری نظیر انتقالی که برای تأمین قطعات خاص صنعت خودرو توسط شرکتهای وزارت دفاع رخ داد، هدفمندنموسدن فعالیت شرکتهای دانش‌بنیان و مأمور کردن آنان برای تولید فناوری‌های موردنیاز کشور به جای وابستگی «فناوری بماهو فناوری» که باعث شده‌است، درصد بسیار اندکی از این شرکت‌ها تجاری شوند، حل مسئله مسکن مردم از طریق اعمال مالیات بر خانه‌های خالی و حذف قیمت‌زمین، توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز و به ویژه پتروپالاینگها با توجه به توان صدورصدی داخلی برای این امر، تغییر نگاه به ارز از یک دارایی شخصی به منابع عمومی و تخصیص آن صرفاً در جهت تأمین نیازمندی‌های عمومی یا از تقای توان تولید، اخذ مالیات هوشمند از ثروت و دارایی به جای حذف عمومی بارانه‌ها با عنوان فریبنده توزیع هدفمند بارانه که هرگز هدفمند توزیع نشد و نخواهد شد، اتخاذ راهبرد اتصال موبرگی به بازار همسایگان و گره‌زدن منافع صدها هزار بخش خصوصی کوچک و متوسط ایرانی به منافع بخش خصوصی موفک و متوسط همسایگان به جای تلاش برای تقیله با تحریم و تسلط سیاسی و دولتی و درها راهکار عملیاتی – و در مقیاس‌های کوچک تجربه شده- دیگر که اجرائی آنها حقیقتاً هیچ ارتباطی به امریکا و تنش‌زدایی با آن ندارد.

ایران اگر در ۱۰ سال گذشته توفیقاتی یافته- که کم نبوده‌اند- به برکت تفکر انقلابی بوده و اگر خسارتی دیده، زخمی خورده و عقب افتاده، از محل تمسک به نظامات داخلی و بین‌المللی متعارفی بوده که برای تداوم استعمار و سلطه غرب در اشکال دودین و مدرن طراحی شده‌اند. تفکری که راهی جز حاشیه‌ریستی و خوشه‌چینی پیشرفت غرب نمی‌شناسد، نته‌تپا مردم ما را به عزت و پیشرفت نخواهد رساند، بلکه ستوداری جز تحقیر و ذلت ملت تحصیل نخواهد کرد.